



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۷۷۸۶-۲۹۸۰

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

واکاوی رویکرد فقهای امامیه و اهل سنت در مقابله با اهل کتاب با تکیه بر آیات قرآن

سلمان نیکبخت^۱

۱- دانشجوی دکتری رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه قم

Salmannikbakht67@gmail.com

چکیده

از شاخصه‌های گفتمانی قرآن، مبحث جهاد است که مورد توجه فقها قرار گرفته است. شیوه برخورد و مقابله با اهل کتاب یکی از مسائل سیاسی و فقهی است که بدون شناخت آیات جهادی قرآن و گفتمان غالب بر آن امکان پذیر نمی‌باشد. بررسی رویکرد فقها در آیات مربوط به جهاد با اهل کتاب منجر به تدوین چارچوبی روشن در جهت تعامل یا تقابل با اهل کتاب می‌شود. با توجه به چنین ضرورتی، مقاله حاضر می‌کوشد با استفاده از روش توصیفی، تحلیلی، رویکرد فقهای امامیه و اهل سنت را در خصوص مقابله با اهل کتاب مورد بررسی قرار می‌دهد در این راستا ابتدا به بررسی لغوی و تفسیری آیات مربوط به جهاد با اهل کتاب می‌پردازد سپس رویکرد فقها نسبت به جایگاه اهل کتاب را در آیات جهادی و مفاهیم مرتبط با آن تحلیل، تبیین و استخراج می‌کند. از دستاوردهای پژوهش این است که جهاد با سه گروه واجب است: ۱) کفار و مشرکان غیر کتابی (۲) اهل کتاب (۳) بغا، طبق آیه ۲۹ سوره ی توبه، جهاد ابتدائی واجب است بر: ۱- کفاری که در حالت محاربه با مسلمانان اند. ۲- اهل کتابی (یهود، نصاری، مجوس، صائبین) که نه اسلام می‌آورند و نه راضی به پرداخت جزیه می‌شوند، که آنها هم، داخل در کفار محارب می‌شوند

کلمات کلیدی: قرآن، گفتمان جهادی، مقابله، فقها امامی، فقها اهل سنت، اهل کتاب.

۱- مقدمه

جهاد و مبارزه‌ی در راه خدا یکی از فرائض بسیار مهم دین اسلام بشمار می‌رود، تا جایی که می‌توان گفت، ثواب و فضیلت آن از نماز، روزه و حج هم بالاتر است. چنانکه در حدیثی از پیامبر اسلام (ص)، نقل شده که فرمودند: «فوق کل بر بر حتی یقتل الرّجل فی سبیل الله فاذا قتل فی سبیل الله عزوجل فلیس فوقه بر». در ورای هر عمل نیکی، یک عمل نیک بهتری وجود دارد مگر جهاد در راه خدا که هنگامی که کسی در این راه به شهادت می‌رسد، به بالاترین و بزرگترین فضیلت‌ها و خوبی‌ها نائل می‌آید. مبارزه، جنگ و خون ریزی میان کشورها و ملت‌های جهان از آغاز خلقت بشر بوده و تا آخر و زمانی که باطل به طور کامل از میان برود، ادامه خواهد داشت و به سبب همین امر فقهای درموقعیت‌های گوناگون به بحث جهاد پرداخته‌اند. اهل کتاب از اقلیت‌های دینی پیرو سایر ادیان آسمانی است که قسمتی از جامعه را شامل می‌شود و در فقه و سیاست جزئی از ادیان جامعه اسلامی محسوب می‌شوند با استناد به آیات قرآن می‌توان بیان کرد که جهاد با مسلمان و غیر مسلمان از مفهوم یکسانی برخوردار نیست با توجه به این موضوع، به بررسی رویکرد فقها و نظرات آنان در ارتباط با اهل کتاب پرداخته می‌شود.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۷۷۸۶-۲۹۸۰

در بررسی آیات، شیوه کار به این صورت بوده که به تناسب بحث، ابتدا بررسی لغوی و مفردات آیه، سپس نکات تفسیری مستنبط از آیه، بررسی شده است و در نهایت رویکرد فقها نسبت به مقابله با اهل کتاب مورد تحلیل قرار می گیرد.

۱-۱- هدف و ضرورت پژوهش

باتوجه به اینکه در ارتباط با رویکرد فقها به مقابله با اقلیت های دینی مانند اهل کتاب در قرآن پژوهشی صورت نگرفته است، انجام چنین تحقیقی ضروری می نماید تا خوانندگان را برای درک و فهم بیشتر و بهتر با نوع نگاه فقها نسبت به این موضوع یاری نماید. هدف از این پژوهش این است که با تکیه برقرآن و مبانی فقهی و تفسیری، نظر فقها در مورد مقابله با اهل کتاب مورد بررسی قرارگیرد.

۱-۲- سوالات پژوهش

۱. رویکرد فقها به مقابله با اهل کتاب در گفتمان جهادی قرآن چگونه ارزیابی می شود؟
۲. جهاد و مقابله با اهل کتاب در کدام یک از آیات متجلی شده است؟

۱-۳- پیشینه پژوهش

با توجه به بررسی های مختلف در مراکز علمی و پژوهشی در خصوص رویکرد فقها نسبت به اهل کتاب اثری یافت نشد اما پژوهش های زیر به گونه ای به موضوع ما نزدیک هستند لذا چند مورد از آن ها ذکر می شود:

- مقاله: « تأملاتی در همگرایی و واگرایی با اهل کتاب در قرآن و سیره رسول خدا »، فائدان، اصغر؛ معتمد لنگرودی، فاطمه، نشریه مطالعات تاریخ اسلام، سال نهم، شماره ۳۵، زمستان ۱۳۹۶، صص ۱۲۷ تا ۱۵۲، با به شیوه توصیفی - تحلیلی، برخورد اسلام در قالب قرآن و سنت نبوی با اهل کتاب مورد بررسی قرار می دهد و این پرسش را پاسخ می دهد که آیا این برخوردها با همه اهل کتاب همگرا بوده است یا واگرا؛ و تحت چه شرایطی همگرایی به واگرایی تغییر جهت می داده است. یافته های این پژوهش حاکی از این است که دیدگاه کلی اسلام و شخص پیامبر(ص) عمدتاً در برابر اهل کتاب، دیدگاهی همگرایانه بود همچنین دیدگاه خداوند در برابر مؤمنان اهل کتاب با کافران اهل

کتاب و پیمان شکنان و منافقان آنان متفاوت و واگرایانه و گاهی نیز مخاصمت آمیز است در مجموع در سایه سیاست های همگرایانه اسلام و رسول خدا(ص) در برابر اهل کتاب و آزادی عمل برای آنان و جواز برپا داشتن عبادتگاه های آنان، رعایت حقوق و احترام رهبانان می توان گفت اسلام به راحتی در میان مسیحیان و زرتشتیان و اندکی از یهود در حجاز رواج یافت.

- پایان نامه کارشناسی ارشد: « بررسی آرا و ادله فقهی دیه اهل کتاب در مذاهب اسلامی »، حسین اکبری اقدام هریس، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، گروه فقه و مبانی حقوق، ۱۳۹۰. این پایان نامه با روش توصیفی تحلیلی می کوشد به بررسی دیدگاه های فقیهان اسلامی در ارتباط با دیه اهل کتاب بپردازد در این راستا ابتدا معنای لغوی و اصطلاحی دو واژه دیه و اهل کتاب ارائه شده است سپس حقوق و وظایف اهل کتاب در جامعه اسلامی که براساس قرارداد ذمه شکل می گیرد مورد بحث قرار گرفته است، سرانجام در فصل آخر در طی دو مبحث، ابتدا دیدگاه های فقیهان اسلامی به همراه پاره ای از ادله و مستندات فقهی ارائه شده و در مبحث بعدی این ادله مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است از دستاوردهای آن می توان گفت: دیه ذمی بدون در نظر گرفتن مصلحت، هشتصد درهم است و با در نظر گرفتن مصلحت حفظ حقوقی که در قرارداد ذمه به اهل ذمه داده شده است، حاکم اسلامی می تواند دیه آنان را با دیه مسلمانان برابر تعیین کند. از سوی دیگر توجه به ماهیت، قرار داد ذمه نیز می تواند در تحلیل روایات و اتخاذ دیدگاه صحیح راه گشا باشد. در فقه اهل سنت، روایاتی که دلالت بر نصف بودن دیه اهل کتاب می کنند از استحکام و اعتبار بیشتری برخوردار است.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۷۷۸۶-۲۹۸۰

- مقاله: «مؤلفه های معنایی «یهود» در قرآن بر اساس روابط همنشینی»، کریمی، محمود؛ شفیعی، فاطمه، شریه قرآن شناخت، شماره ۱۸، بهار و تابستان ۱۳۹۶، صص ۵۱ تا ۷۲، با روش توصیفی-تحلیلی به نقش مراعات نظیر در انسجام سوره انعام پرداخته است بدین ترتیب در مبانی تطبیقی خود از واژه ها و عبارات دال بر «یهود» در قرآن سخن رانده و در پایان مؤلفه های معنایی قوم یهود را بر محور همنشینی مورد بررسی و تحلیل قرار داده است یافته‌های این پژوهش حاکی از این است که مؤلفه های معنایی یهود عبارتند از: الف) مؤلفه های اخلاقی: پوشاندن حقایق، گرایش به مادیات، جهالت، استهزا، ترس و حسادت ب) مؤلفه های اعتقادی: انکار خدا، ضلالت، نفاق. ج) مؤلفه های عملی: تجاوزگری، عداوت، نافرمانی از پیامبران.

- مقاله: «بررسی تطبیقی آخرت از دیدگاه اسلام و یهود»، فخرایی، سیده سوسن؛ یاراحمدی، مهدی؛ کریمی، صادق، همایش مدیریت، گردشگری و تکنولوژی، دوره ۴، ۱۴۰۱، صص ۲۹۲ تا ۳۰۶ در این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی به بررسی تطبیقی موضوع آخرت از نگاه اسلام و یهود پرداخته شده است، نویسنده ی مسئله دنیای پس از مرگ و بهشت و دوزخ در میان ادیان ابراهیمی را مورد توجه قرار داده است و به بررسی آن‌ها می‌پردازد. از نتایج آن می‌توان گفت: ادیان فوق هر چند این مسائل را به گونه های ظاهری متفاوتی مطرح می‌کنند، اما در باطن در مورد یک جایگاه مشترک سخن می‌گویند.

۱-۴- روش تحقیق

این پژوهش برای تعیین مسأله و گردآوری معلومات و تحلیل آن تا رسیدن به نتیجه دلخواه از روش توصیفی-تحلیلی بهره جسته و با تکیه بر همین روش رویکرد فقها به مقابله با اهل کتاب در گفتمان جهادی قرآن را مورد بررسی قرار می‌دهد. بدین ترتیب در ابتدا سعی شده است تعریف لغوی واصطلاحی جهاد ارائه شود سپس مؤلفه های جهاد در فقه بیان شود و درنهایت رویکرد فقها به مقابله با اهل کتاب در آیات جهادی قرآن مورد بررسی قرار گیرد.

۲- جهاد در لغت و اصطلاح

جهاد در لغت از ماده‌ی «جهد» (هم به فتحه و هم به ضمه) می‌باشد، به معنای سختی و مشقت است. و «جهاد و مجاهده» به معنای: به کار بردن تمام تلاش و کوشش در راه دفع کردن دشمن می‌باشد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۰۸) جهاد (بکسر اول) مصدر است بمعنی تلاش و نیز اسم است بمعنی جنگ؛ و جنگ را از آن جهت جهاد گویند که تلاش توأم با رنج است. قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۷۸) در اصطلاح و از لحاظ شرعی به معنای بذل نفس و آنچه متوقف بر آن است از اموال، در راه مبارزه با مشرکین یا بغاۀ که به صورت مخصوص خود می‌باشد. یا بذل و بخشش جان، مال و توانائی خود در راه اعتلاء کلمه‌ی اسلام و به پا داشتن شعائر ایمان، می‌باشد. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۱، ص ۳)

جهاد یکی از بزرگترین رکن‌های اسلام است، از لحاظ قرآن، سنت و هم اجماع. چنانچه خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...» (توبه: ۱۱۱) و از پیامبر (ص) نقل شده: «فوق كل برٍّ رحمتي يقتل الرجل في سبيل الله فليس فوقه بر.» (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۱۷)

۳- مؤلفه های جهاد در فقه

جهاد در فقه شامل مؤلفه های مختلفی است که عبارتند از: - جهاد ابتدائی با مشرکین برای دعوت آن‌ها به اسلام. - جهاد با کفاری که به قصد تصرف ممالک اسلامی و اموال آن‌ها بر مسلمانان هجوم آورند و اگرچه تعدادشان کم باشد. - جهاد و مبارزه با کسی که می‌خواهد شخص بی‌گناهی را بکشد، یا به قصد گرفتن اموال و شکستن حریم اشخاص باشد مطلقاً. - جهاد اسیر مسلمانان در میان مشرکین برای دفاع از جان خودش، و قول قوی است که این قسم از انواع جهاد نمی‌باشد بلکه داخل در دفاع است.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۷۷۸۶-۲۹۸۰

۴- جنگ با اهل کتاب

آیه ۲۹ سوره توبه به جنگ با اهل کتاب، امر می‌کند «فَاتْلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ».

ترجمه: «با کسانی از اهل کتاب (یهود، نصاری، مجوس، صابئین) که به خدا و روز قیامت ایمان نمی‌آورند و آنچه را خدا و رسولش کرده‌اند، حرام نمی‌شمردند و به دین حق گردن نمی‌نهند بجنگید، تا با خواری و ذلت، به دست خود جزیه بپردازند».

صَغْرٌ: به معنای کوچکی در مقابل کِبَر: است. و آن در مقایسه چیزی با چیز دیگر گفته می‌شود، خواه به اعتبار زمان باشد مثل کوچکی سن، یا به اعتبار جثه باشد یا قدر و مرتبه. (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۴، صص ۱۳۰-۱۲۹)

در «مفردات» آمده که، «الصَّغْرُ» به معنای کسی است که به رتبه و مقام پست راضی شده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، صص ۴۸۵)

جَزَاءٌ: به معنای غناء و کفایت می‌باشد و «جِزْیَه»: آن چیزی است که از اهل کتاب گرفته می‌شود و به این دلیل به این نام می‌گویند که به واسطه‌ی آن از ریخته شدن خونشان جلوگیری و کفایت می‌شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، صص ۱۹۶) این آیه

به جنگ با اهل کتاب، امر می‌کند. از آیات بسیاری بر می‌آید که منظور از اهل کتاب یهود و نصاری هستند و آیه ۱۷ سوره حج «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» اشعار، بلکه دلالت دارد که مجوس هم از اهل کتاب‌اند؛ زیرا در این آیه در ردیف صاحبان ادیان آسمانی در

مقابل مشرکان شمرده شده‌اند. صائبین نیز گروهی از مجوس بوده‌اند که به دین یهود متمایل شده‌اند و دین میان آن دو دوست و پا کرده‌اند. هم‌چنین از سیاق آیه برمی‌آید که واژه «مِنْ» در عبارت «مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ» بیانیه است نه تبعیضیه؛ زیرا

هریک از یهود، نصاری و مجوس، مانند مسلمانان امت جداگانه‌ای‌اند. از این رو فرمان جنگ همه‌ی اهل کتاب را شامل می‌شود نه برخی از آنان را. اگر مراد، جنگ با برخی از یهود و نصاری یا مجوس یا یکی از این گروه‌ها بود، باید با بیان دیگری آن را

مشخص و معین می‌ساخت. (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۹، صص ۲۳۷)

از آن جا که جمله‌ی «مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ» بیان است برای جمله‌ی قبل یعنی جمله‌ی «الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ...»، اوصاف ذکر شده برای اهل کتاب، از آن همه‌ی آنان است. ایمان نداشتن به خدا و روز جزا، حرام ندانستن محرمات خدا و رسول و

انتخاب نکردن دین حق به عنوان روش زندگی خود، سه وصفی است که در این آیه برای اهل کتاب برشمرده شده است. علت اینکه ایمان به خدا و روز جزا از اهل کتاب سلب می‌شود، آن است که آنها به توحید و معاد آن گونه که باید معتقد نیستند.

منظور از واژه‌ی «رسول»، یا پیامبر خود آنان است یا پیامبر اسلام، اما باید گفت که اگر مراد، رسول هر امتی نسبت به آن امت بود، باید می‌فرمود: «وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ»، زیرا در آیات دیگر نیز هرگاه غرض بیان کثرت انبیاء بوده است. با

صیغه‌ی جمع آورده است. از این رو در این جا مراد، پیامبر اسلام است و منظور از محرمات الهی نیز محرمات اسلامی است، هم‌چنین مراد از دین حق، نیز اسلام است. (همان، ج ۹، صص ۲۴۲-۲۳۷)

در فقه اسلامی، برای اهل کتاب، سه راه مشخص شده است، که یا کشته شوند یا اسلام بیاورند و یا جزیه بپردازند. در این آیه شریفه، ابتدا شرایط و دلایل جهاد با اهل کتاب را بیان می‌کند و سپس جزیه و شرایط گرفتن آن را بیان می‌کند. مرحوم

«صاحب کنز العرفان» می‌فرماید: این آیه اشاره به جنگ با اهل کتاب دارد و آنها را با چهار صفت وصف کرده که هر یک از این صفات، جهاد با آنها را واجب می‌کند، ۱- اینکه به خداوند ایمان ندارند، چرا که برای خدا چیزهایی قائل‌اند که محال است،

مانند اینکه می‌گویند «عزیر و یا مسیح» پسر خدا هستند.

۲- به روز قیامت ایمان ندارند چنان که در قرآن از زبان آنها می‌گوید: «لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَةً». (بقره: ۸۰)

۳- اینکه آن چه خداوند حرام کرده، حرام نمی‌شمردند، مانند: شرب خمر و نکاح با محرمات و... ۴- به دین حق نمی‌گروند، و «الَّذِينَ» در اینجا یا به معنای اسلام است و یا اطاعت. (مقداد، ۱۴۲۵، ج ۱، صص ۳۶۲-۳۶۱)



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۷۷۸۶-۲۹۸۰

جزیه از ماده‌ی جزء یک نوع مالیات سرانه‌ی سالانه‌ای است که اهل کتاب آن را در مقابل امنیتی که حکومت اسلامی برای آنها بوجود می‌آورد، می‌پردازند.

در مورد کسانی که از آنها جزیه گرفته می‌شود میان امامیه و اهل سنت اختلاف وجود دارد، شافعی، می‌گوید: فقط از اهل کتاب، چه عرب و چه عجم باشند، گرفته می‌شود. و نظر امامیه‌ی هم همین است، در صورتی که ابوحنیفه، قائل است که فقط از عجم‌ها گرفته می‌شود نه از عرب‌ها. (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۵۳۹)

در تفسیر جمله‌ی یاد شده به خاطر احتمالاتی که در معنی «ید» داده شده، گوناگون سخن گفته‌اند: بعضی لفظ «ید» را به معنی «نقد» گرفته‌اند، در نتیجه معنای جمله چنین خواهد بود: اهل کتاب، باید جزیه را به طور «نقد» بپردازند در حالی که در برابر نظام اسلامی، خاضع و تسلیم باشند و بعضی دیگر این لفظ را به معنی با دست خود دادن تفسیر کرده‌اند نه بوسیله‌ی نایبش، که معنای جمله چنین خواهد بود: اهل کتاب، باید شخصاً جزیه را به مسئولین نظام بپردازند و نه بوسیله‌ی افراد دیگر، چرا که این کار نشانه‌ی تواضع آنها نسبت به نظام است. و برخی دیگر کلمه‌ی «ید» را به معنای قدرت گرفته‌اند، یعنی: مسلمین از روی قدرت، جزیه را از اهل کتاب بگیرند.

و معنای آخر اینکه به معنی «نعمت» باشد، که معنای جمله چنین خواهد بود: اهل کتاب باید جزیه را از باب اینکه مسلمین به آنها انعام کرده و آئین آنها را به رسمیت شناخته‌اند، بپردازند. مرحوم فاضل مقداد، بعد از ذکر این معانی، معنای دوم (یعنی شخصاً بپردازند نه اینکه نائب بگیرند) را اقرب به صواب می‌داند. (مقداد، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۳۶۳)

۵- نحوه مقابله با اهل کتاب

در آیه ۵۷ سوره مبارکه انفال چگونگی مقابله و قتال با یهودیانی که به صورت محارب بودند و درصدد مقابله با حکومت اسلامی بودند بیان شده است. «فَإِمَّا تَثَقَفْتَهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِمْ مِّنْ خَلْفِهِمْ لَعَلَّهِمْ يَدْرَكُونَ». (سوره‌ی انفال) ترجمه: هرگاه آنها را در میدان جنگ بیابی، آن چنان به آنها حمله کن، که جمعیت‌هایی که پشت سر آنها هستند، پراکنده شوند، تا شاید عبرت بگیرند.

«فَشَرِّدْ بِهِمْ»: از ماده «شرر» به معنای جدا و پراکنده کردن. و «التشریه»، به معنای پراکنده کردن همراه با ناراحتی، مزاحمت و خشمگینی. و مراد از آن در این آیه، این است که، محاربان را چنان مورد مجازات و تنبیه قرار بده تا دیگران نیز بترسند. (زحیلی، ۱۴۱۸، ج ۱۰، ص ۴۲) ضمیر در «تَثَقَفْتَهُمْ» (یهودیان بنی قریظه» برمی‌گردد، که نقص عهد کردند، در صورتی که با پیامبر (ص) عهد بسته بودند که قریش را یاری نکنند، ولی آنها در جنگ «خندق» به کمک مشرکین مکه رفتند، پس زمانی که خیانت آنها آشکار شد، گفتند: فراموش کردیم و اشتباه کردیم، پس خداوند با این آیه، امر به مجازات آنها فرمود. (مقداد، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۳۷۰)

در این آیه نکات بسیار دقیق و ظریفی از مسائل نظامی و چگونگی روبه‌رو شدن با دشمن بیان شده:

- ۱- برخورد شما با دشمن، باید غافلگیر کننده، سریع، دقیق و کوبنده باشد و این از اصول نظامی است.
- ۲- آگاهی و دید رهبر مسلمین باید به قدری باشد که وسعت و دنباله‌ی توطئه و توطئه‌گران را بشناسد و بر علیه آنان تصمیم درست و قاطع بگیرد. (فَشَرِّدْ بِهِمْ) ۳- به دفاع‌های روزمره و خط اول بسنده نکنیم و از عقبه‌های دشمن و طراحان صحنه غافل نشویم. (مِنْ خَلْفِهِمْ) ۴- کیفر پیمان شکنانی که امنیت و ثبات جامعه را به هم می‌زنند، آن است که آنان را وحشت زده مضطرب سازیم. (قرآنتی، ۱۳۸۳ ش، ج ۴، ص ۳۴۸)

نکات فقهی آیه عبارتند از:

«آیه‌ی مذکور دلالت می‌کند بر صحت مصالحه و معاهده با کافران و بر وجوب محاربه و مقاتله با ایشان بعد از تحقق نقض عهد ایشان» (حسینی جرجانی، ۱۴۰۴، ج ۲، صص ۵۸ - ۵۷)



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۷۷۸۶-۲۹۸۰

مرحوم شیخ طوسی در «التبیین» می‌فرماید: از « فَشَرَّدَ بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ » دو معنا متحمل است: یکی، یعنی هنگامی که آنها را اسیر کردی پس بر آنها سخت بگیر تا دیگر نقض کنندگان عهد، از ترس شما پراکنده شوند، و این قول «حسن، فتاده، سعید بن جبیر، السدی و ابن زید» می‌باشد.

قول دوم: یعنی آن چنان با آنها مبارزه کن و طوری آنها را بکش که کسانی که پشت آنها هستند، از ترس متفرق شوند. و این قول «زجاج» است. (طوسی، بی تا، ج ۵، ص ۱۴۴)

۵- اسلام آوردن ظاهری عامل بخشش اهل کتاب

در آیه ۹۴ سوره نساء به این مسئله اشاره شده است که حتی اسلام آوردن ظاهری اهل کتاب می‌تواند عامل نجات بخش آنها باشد و مسلمانان حق تعدی به آنها را ندارند.

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا. » (سوره نساء)

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که در راه خدا گام می‌زنید (و سفری برای جهاد می‌روید)، تحقیق کنید و به خاطر اینکه سرمایه‌ی ناپایدار دنیا به دست آورید، به کسی که اظهار صلح و اسلام می‌کند نگویید: مسلمان نیستی، زیرا غنیمت‌های فراوانی (برای شما) نزد خداست. شما نیز قبلاً چنین بودید که خداوند بر شما منت نهاد (و هدایت شدید)، پس تحقیق کنید، که خداوند به آن چه انجام می‌دهید، آگاه است.

«علی بن ابراهیم قمی» در «تفسیر قمی» شأن نزولی درباره‌ی این آیه مطرح می‌کند که سائیرین نیز از قول ایشان آن را نقل کرده‌اند، بدین مضمون:

هنگامی که پیامبر اکرم (ص) از جنگ «خیبر» برمی‌گشت، «أسامه بن زید» را با جمعی از یارانش به سمت برخی از روستاهای یهودیان در ناحیه فدک فرستاد تا آنها را به دین اسلام دعوت کند. یکی از ساکنان آن منطقه به نام «مزداس بن نهیک فدکی»، وقتی که از آمدن سربازان اسلام باخبر شد، اهل و عیال و اموال خود را در پناه کوهی قرار داد و به استقبال سپاه اسلام شتافت در حالی که کلمه‌ی «أشهد ان لا اله الا الله و ان محمداً رسول الله(ص)» را بر زبان داشت.

پس در این هنگام به «اسامه» رسید و «اسامه» به او حمله کرد و او را کشت. پس زمانی که پیش پیامبر (ص) برگشتند، به او این خبر را دادند، پس پیامبر به او فرمود: مردی را کشتی که شهادتین بر زبانش جاری بود. «أسامه» جواب داد: او از ترس جانش اسلام آورده بود، پیامبر فرمودند: تو از درون او خبر نداشتی، شاید در اظهار اسلام، راست می‌گفت. در این وقت، این آیه نازل شد. (قمی، ۱۳۶۷ ش، ج ۱، ص ۱۴۸)

«الضرب» به معنای راه رفتن و مسافرت کردن می‌باشد. و از تقیید آن به «سبیل الله» می‌فهمیم که مراد از خروج، خروج برای جهاد است.

و مراد از «تبیین»، تمایز قائل شدن میان مؤمن و کافر می‌باشد. (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۴۱)

«كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ» چنین تفسیر شده است که، شما هم در آغاز اسلام چنین وضعی داشتید، با زبان شهادت می‌دادید و جان و مالتان را بوسیله‌ی آن حفظ کردید و انتظار نمی‌رفت که آن چه با زبان می‌گوئید، به آن قلباً اعتقاد داشته باشید و خداوند بدین واسطه بر شما «منت» گذارد.

پس شما نیز با کسانی که به اسلام داخل می‌شوند، آن چنان عمل کنید که با شما عمل شد و به ظاهر سخن آنها اطمینان کنید. (مصطفی، بی تا، ج ۵، ص ۱۲۷)

در مورد «تَبَيَّنُوا» دوم، دو نظر وجود دارد، یکی اینکه آن را «تأکید» بگیریم. و عده‌ای گفته‌اند معنای اولی، تحقیق و تبیین حال او است و دومی می‌گوید، درصدد فهم این فوائد در ضمیر خودتان باشید. (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۳، ص ۱۴۷)



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۷۷۸۶-۲۹۸۰

واژه «غنایم» جمع «مغنم» و «مغنم» به معنای غنیمت است. جمله‌ی «فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ» بدین معناست که غنیمت‌هایی که نزد خداوند است، بهتر و برتر از غنیمت‌های دنیائی است؛ زیرا هم بیشتر است و هم دائمی. از این رو، شما مجاهدان باید در پی کسب غنیمت‌های الهی و اخروی برآیید و آنها را بر غنایم دنیایی ترجیح دهید. (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۴۱) نقل شده از ابن عباس که چون این آیه نازل شد، اسامه بن زید، سوگند خورد که هرگز گوینده «لا اله الا الله» را نکشد و با او نجنگند.

و چون امیرالمؤمنین(ع) در محاربه با اعداء، از او طلب کمک و موافقت نمود، «اسامة» با همین عذر نامعقول و نامقبول، عذر آورد و ایشان را همراهی نکرد و او آن چنان که در اول ترک کرد (تبیین نکرد)، در آخر عمرش نیز یک واجب دیگر (اطاعت از حاکم و ولی مسلمین) را ترک کرد. (حسینی جرجانی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۶۰).

از این آیه گونه برداشت می‌شود که اسلام آوردن ظاهری و با زبان، مال و جان را حفظ می‌کند، به هر ترتیبی که حاصل شود. (مقداد، ۱۴۲۵، ج ۱، صص ۳۷۲)

مرحوم «مقدس اردبیلی» درباره این آیه می‌فرماید: این آیه بر تحریم تجسس در مورد دین و اعتقاد قلبی افراد، دلالت دارد. و هم‌چنین بر عدم جرأت در امور و کارهایی که نزد انسان حاصل می‌شود و بر عدم سرعت در حکم و علم و عمل، دلالت می‌کند. و هم‌چنین بر عدم عمل به ظن در هر حالی، مانند آن چه که در خبر فاسق بیان شد. (مقدس اردبیلی، بی‌تا، ص ۳۱۲) علمای اهل سنت نیز در تفاسیر خود، در مورد این آیه، ضرورت اطمینان در اجرای احکام و عدم عجله و شتاب در کشتن را بیان کرده‌اند.

و اینکه در اسلام آوردن شخص، شهادتین ظاهری کفایت می‌کند. هم‌چنین در آیه نص صریحی وجود دارد بر اینکه هدف مؤمنان از جهاد، آن چنان که خداوند متعال تشریح فرموده، اعلاء کلمه‌ی الله است، نه به هدف رسیدن به غنائم جنگی یا قدرت و یا مکاسب مادی. (زحیلی، ۱۴۱۸، ج ۵، صص ۲۱۹-۲۱۷)

فقهاء، هم‌چنین می‌گویند: در صورت علم واقعی بکفر شخصی، بعد از اینکه اظهار اسلام کرد، باز هم جایز نمی‌باشد جنگ و کشتن او، مگر اینکه، با مسلمانان درگیر شود و یا با دشمنان مسلمانان همکاری داشته باشد، که در این صورت جنگ با آنها و کشتن آنها، جایز می‌باشد. (یزدی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۲۶۴)

در «مسالک الأفهام» آمده است: اکثر فقهاء معتقدند که اگر یک یهودی یا نصرانی بگوید من، مؤمن یا مسلم هستم، حکم به اسلام او نمی‌شود، چرا که او معتقد است، ایمان و اسلام، همان دین خود اوست و اگر شهادتین را جاری کند و بگوید: «لا اله الا الله محمد رسول الله» باز هم جزم به اسلام او نمی‌شود، چرا که، عده‌ای از آنها معتقدند، محمد(ص) فقط رسول و پیامبر اعراب است و عده‌ای از آنها نیز می‌گویند، آن محمدی که رسول حق است، در آینده خواهد آمد. بنابراین تنها زمانی از او پذیرفته می‌شود که، اعتراف کند، دین او باطل است و دین مسلمانان حق است. (کاظمی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۳۴۸)

نتیجه

یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که جهاد با سه گروه واجب است: (۱) کفار و مشرکان غیر کتابی (۲) اهل کتاب (۳) بغاء. طبق آیه ۲۹ سوره‌ی توبه، جهاد ابتدائی واجب است بر: ۱- کفاری که در حالت محاربه با مسلمانان‌اند. ۲- اهل کتابی (یهود، نصاری، مجوس، صابئین) که نه اسلام می‌آورند و نه راضی به پرداخت جزیه می‌شوند، که آنها هم، داخل در کفار محارب می‌شوند. همچنین با توجه به آیه: «قاتلوا الدینَ یلوونکم من الکفار...»، در مورد وجوب جهاد با اهل حرب، اولی آن است که با کفار نزدیک‌تر جنگ شود. اهل کتاب، شامل: یهود، نصاری، مجوس و صابئین می‌باشند و حکم اینها سه چیز است: یا اسلام بیاورند، یا جزیه بپردازند و یا اینکه کشته می‌شوند. اگر اهل کتاب به ظاهر ادعای مسلمان شدن نمودند مسلمانان باید به درستی نیت آنها اعتماد کنند و حق تعدی و قتال با آنها را ندارند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۷۷۸۶-۲۹۸۰

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن محمد، احمد [مقدس اردبیلی]. زبدة البیان فی احکام القرآن. تهران: کتابفروشی مرتضوی، چاپ اول، بی تا.
۳. احمد بن مصطفی [امرغی]، تفسیر المرغی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۴. حسینی جرجانی، سید امیر ابوالفتح، آیات الاحکام جرجانی (تفسیر شاهی)، تهران: نوید، چاپ اول، ۱۴۰۴.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دمشق - بیروت: دارالعلم الشامیه، چاپ اول، ۱۴۱۲.
۶. زحیلی، وهبة بن مصطفى. التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج، ج ۱، بیروت: دارالفکر، چاپ دوم، ۱۴۱۸.
۷. سیوری، مقداد بن عبدالله [فاضل مقداد]. کنز العرفان فی فقه القرآن. ج ۱، قم: مرتضوی، چاپ اول، ۱۴۲۵.
۸. طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۷.
۹. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲.
۱۰. طوسی، محمدبن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۱. طوسی، محمدبن حسن، التّهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت: دارالکتب العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۰.
۱۲. عاملی، محمد بن حسن [حرّ عاملی]، تفضیل رسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹.
۱۳. قرائتی، محسن. تفسیر نور. ج ۴، تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳.
۱۴. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۳۷۱.
۱۵. قمی، علی بن ابراهیم. تفسیر قمی. قم: دارالکتب، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ ش.
۱۶. کاظمی، جواد بن سعید. مسالک الأفهام الی آیات الاحکام. ج ۲، تهران: کتابفروشی مرتضوی، چاپ دوم، ۱۳۶۵.
۱۷. نجفی، محمدحسن [صاحب الجواهر]. جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۴۰۴.